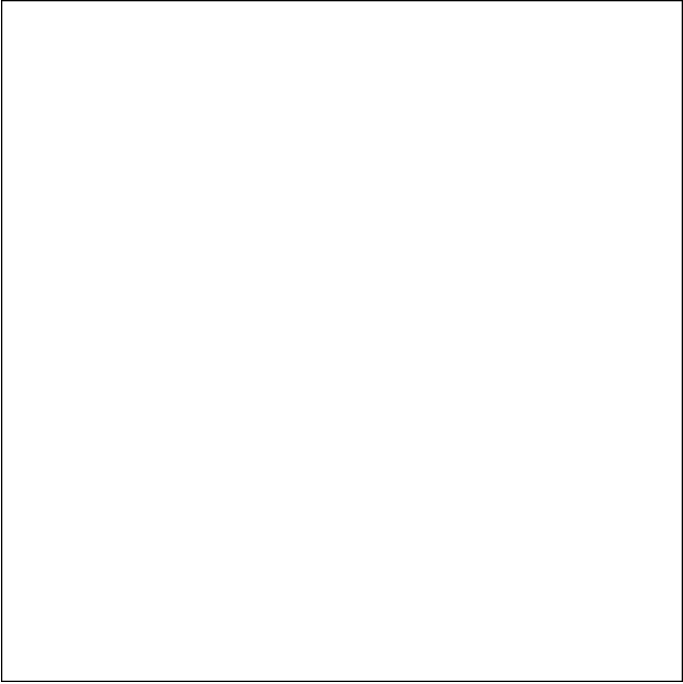


ڌاڙي ٺاڻي ٺاهڻي صحيفي ميگزين

Khalai talks to plants



✎ Ursula Natula

✉ Jesse Pietersen

📄 Marzieh Mohammadian Haghighi!

|| 2

🌐 / English / English / فارسي / فارسي



Global Storybooks

globalstorybooks.net

ڌاڙي ٺاڻي ٺاهڻي صحيفي ميگزين / Khalai!

talks to plants

✎ Ursula Natula

✉ Jesse Pietersen

📄 Marzieh Mohammadian Haghighi (fa)

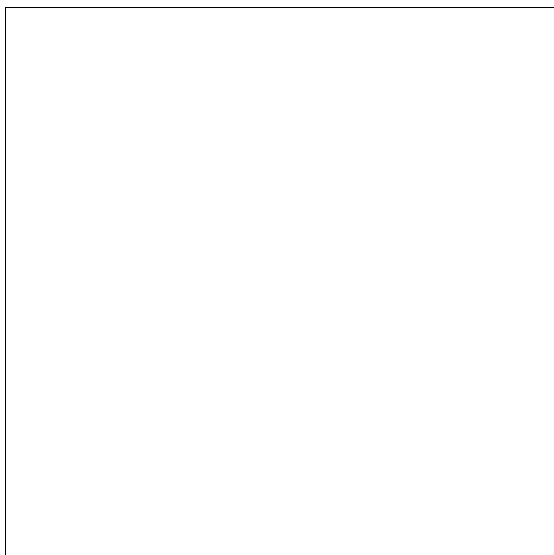


This work is licensed under a Creative Commons

[Attribution 4.0 International License.](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>





این کلای است. او هفت سال سن دارد. در زبان
لوباکوسو که زبان او می باشد معنای اسمش - دخترِ
خوب - است.

...

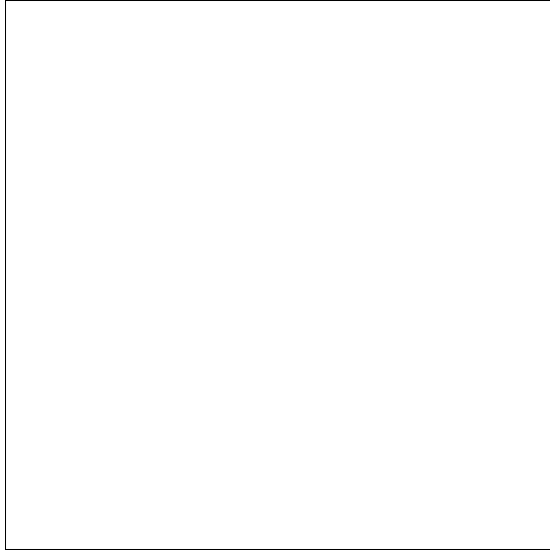
This is Khalai. She is seven years old.
Her name means 'the good one' in her
language, Lubukusu.

Khalai wakes up and talks to the orange tree. "Please orange tree, grow big and give us lots of ripe oranges."

...

به ۵ پرتقال های رسیده ی جوی بیدار.
صحبت می کند. درخت پرتقال اطفاً جسبی رشد کن و
کلاهی هر روز صبح که بیدار شود با درخت پرتقال

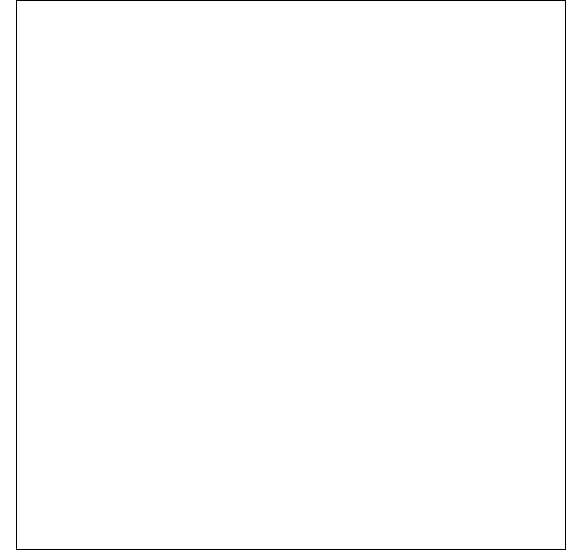




کلای تا مدرسه راه می‌رود. در راه با علف‌ها صحبت می‌کند. علف‌ها، لطفاً بیشتر رشد کنید و سبز شوید و خشک نشوید.

...

Khalai walks to school. On the way she talks to the grass. "Please grass, grow greener and don't dry up."



کلای آهی کشید و گفت، "پرتقال‌ها هنوز سبز هستند." کلای گفت، "فردا تو را خواهم دید درخت پرتقال." "شاید بعد تو یک پرتقال رسیده برای من داشته باشی!"

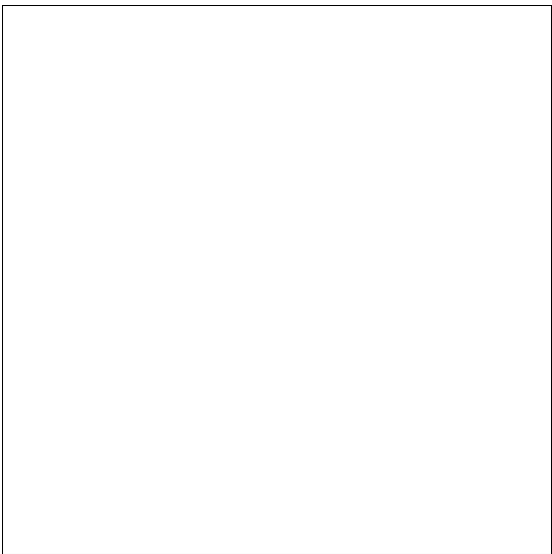
...

"The oranges are still green," sighs Khalai. "I will see you tomorrow orange tree," says Khalai. "Perhaps then you will have a ripe orange for me!"

Khalai passes wild flowers. "Please
flowers, keep blooming so I can put you
in my hair:"

...

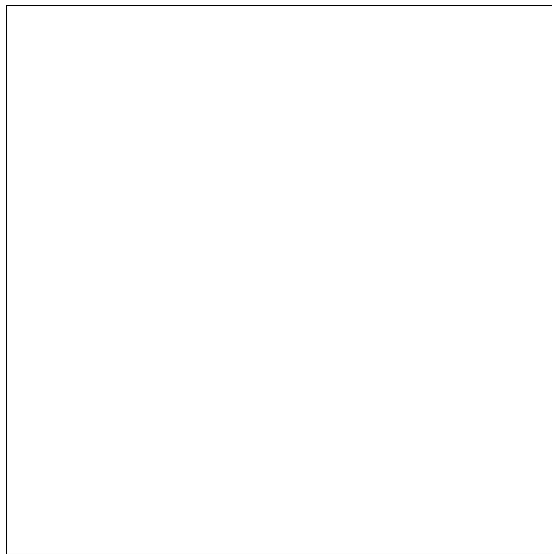
کھالی از کنار گلِ وحشی و گلای کلام می شنود. گلای وحشی
مطلباً، مرتب شکوفه بزنید که من بتوانم شما را در
موهام قرار دهم.

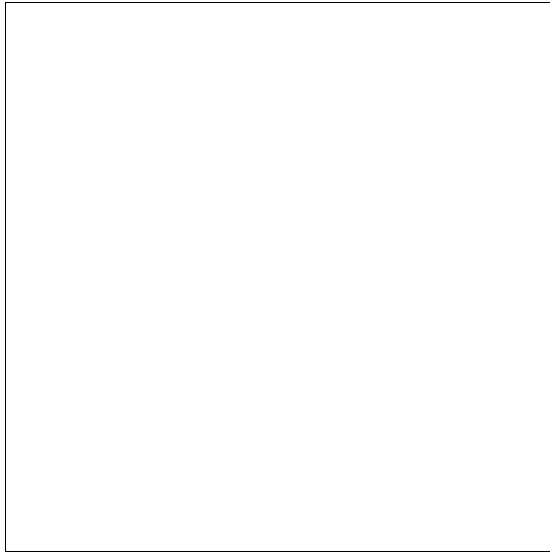


When Khalai returns home from school,
she visits the orange tree. "Are your
oranges ripe yet?" asks Khalai.

...

وقتی کھالی از مدرسه به خانه برگشت، درخت پرتقال
را دید. کھالی پرسید، "آیا پرتقال هت هت
دی"





دَر مَدْرِسِه، کَلای با دِرِختی کِه دَر وَسَطِ حَیاط بود
صُحَبَتِ گَرْد. “دِرِخت لُطفاً، شاخه هَلای بُزرگ برویان تا
ملا بِتوانیم زیر سایه‌ی تو دَرس بِخوانیم.”

...

At school, Khalai talks to the tree in the middle of the compound. “Please tree, put out big branches so we can read under your shade.”



کَلای با حِصارِ اطرافِ مَدْرِسِه صُحَبَتِ می‌کُند. “لُطفاً
مُحکم و قوی رُشد کُن و چَلوی وارد شُدنِ اَفرادِ بَد را
بِگیر.”

...

Khalai talks to the hedge around her school. “Please grow strong and stop bad people from coming in.”